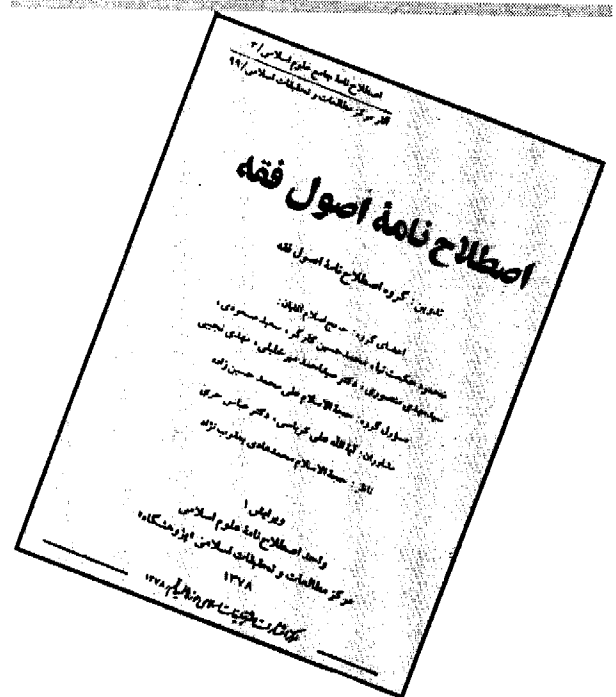


نمایی از

اصطلاح نامه

اصول فقه

سعید نخعی کلپایگانی



اصطلاح نامه اصول فقه، گروه اصطلاح نامه اصول فقه، واحد اصطلاح نامه علوم اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی (پژوهشگاه) دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۸ ش، ۳+۳۰۳ص، رحلی.

مقدمه

عصری که ما در آن زندگی می کنیم، عصر گسترش سریع علوم و نشر اطلاعات علمی از طرق مختلف است که از این رو دستیابی به اطلاعات فشرده امری ضروری است که باید از زیاده گویی و صرف وقت زیاد برای یافتن مطالب جلوگیری کرد.

در حال حاضر به جای آن که از مقالات مفصل و عبارات و واژه های مرکب و طولانی استفاده شود، روش هایی از قبیل استفاده از چکیده نویسی، نمایه و اطلاعات گزیده به کار گرفته می شود که محققان ضمن آن که از تازه ترین اطلاعات با خبر می شوند، در وقت آنها صرفه جویی شده، به راحتی می توانند به مطالب علمی مورد نظر خود دست یابند.

اصطلاح نامه (تزاروس) بهترین راه برای دریافت اطلاعات و تنظیم مناسب آنها است؛ به خصوص در صورتی که این

اطلاعات انبوه به رایانه سپرده شود و از ساختار منظم اصطلاح نامه - که با منطق کامپیوتری هم خوانی دارد- استفاده شود، سرعت و دقت ماشین را چند برابر کرده، از ریزش و یا کاهش اطلاعات مطلوب پیش گیری می کند. و پژوهش گران سریع تر و بهتر به اطلاعات مورد نیاز خود دست خواهند یافت.

از مشهورترین اصطلاح نامه ها، اصطلاح نامه یونسکو (unesco thesaurus) (با ویرایش های مختلف) درباره اطلاعات علمی و فنی، اصطلاح نامه اریک (thesaurus of Eric) درباره تعلیم و تربیت و در زبان فارسی، اصطلاح نامه های فرهنگی فارسی (اصفا) در مقوله های فرهنگی آموزش و پرورش، ارتباطات، اقتصاد، جامعه شناسی، جغرافیا، روان شناسی، کتابداری، اطلاع رسانی و ... است و اصطلاح نامه نظام مبادله اطلاعات (نما) که ترجمه اصطلاح نامه اسپاینز است.

با توجه به گستردگی علوم اسلامی، ضرورت تدوین اصطلاح نامه در حوزه های مختلف علوم اسلامی، امر مشهودی بود که مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی (پژوهشگاه) وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، در این مسیر نخستین قدم را پیش نهاد و تدوین این پروژه بزرگ را پذیرفت.

هم اکنون اصطلاح نامه های علوم قرآنی، فلسفه اسلامی، کلام اسلامی به پایان رسیده و در دسترس پژوهشگران است. اصطلاح نامه های منطق، علوم حدیث، اخلاق اسلامی و فقه



بخش اول، نمایش الفبایی اصطلاحات است که صفحات ۳۹ تا ۲۶۶ کتاب را به خود اختصاص می دهد. در این بخش، اصطلاحات پذیرفته شده به ساده ترین شیوه (الفبایی) به نمایش گذاشته شده است. بدین ترتیب می توان با دانستن نام یک اصطلاح به جایگاه آن در این علم پی برد.

آگاهی و پی بردن به این روابط بین اصطلاحات، بسیار مفید می باشد و در واقع ظرافت اصطلاح نامه و سختی آن در همین بخش از کار است. در واقع اصطلاح نامه نویس با استمداد از تخصص خود، روابط منطقی بین اصطلاحات را ایجاد می کند. در این قسمت همراه هر اصطلاح مرجع (اصطلاحی که نسبت به مترادفات خود رجحان دارد) اصطلاحات رأس،

۱. برای هر یک از اصطلاح نامه های مذکور، مستندات در دستور کار قرار گرفته که پس از بازنگری صاحب نظران به صورت فرهنگ نامه قابل عرضه و استفاده خواهد بود.

۲. اصطلاح نامه کتاب داری، پوری سلطانی، فروردین / و مقدمه اصطلاح نامه فلسفه اسلامی، ج ۱، ص ۵۴ و راستین، کتابخانه ملی ایران، تهران ۱۳۶۵ ش، ویرایش دوم.

۳. اصطلاح نامه، معادل کلمه لاتینی تزاروس (thesaurus) است که به واژگان نامه، گنج واژه و کنز اصطلاح نیز معروف است. ر. ک: مقدمه اصطلاح نامه فلسفه اسلامی، ج ۱، ص ۱۳.

۴. درآمدی بر مبانی اصطلاح نامه علوم اسلامی، محمد هادی یعقوب نژاد، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، سال ۱۳۷۵.

۵. ر. ک مقدمه اصطلاح نامه اصول فقه، ص ۹ و اصطلاح نامه فلسفه، ج ۱، ص ۱۳.

۶. روابطی که در اصطلاح نامه وجود دارد بر سه نوع است:

۱- رابطه هم ارز (ترادف): این نوع رابطه هم معنا بودن اصطلاحی را با اصطلاح دیگر بیان می کند. علامت ارجاع به اصطلاح مرجع «بک» به معنای «به کار ببرید» است. در ذیل اصطلاح مرجع علامت «بج» به معنای «به کار ببرید به جای» است.

۲- رابطه سلسله مراتبی: این رابطه بیانگر رابطه کلی و جزئی (حالت جنس و نوع) کل و جزء و موردی یا مصداقی بین مفاهیم است؛ به نحوی که حوزه علمی مورد نظر با شاخه ها و مباحثش به طور مرتب از کلی ترین اصطلاح تا جزئی ترین آن ترسیم می گردد. در اصطلاح نامه این نوع رابطه با دو علامت نشان داده شده است:

الف. ا. ع: این علامت نشانه این است که اصطلاح بعد از آن، دامنه ای وسیع تر از اصطلاح قبلی دارد؛ یعنی اعم است.

ب. ا. خ: این علامت نشان گر آن است که اصطلاح بعد، محدوده کمتری از اصطلاح قبلی دارد؛ یعنی اخص است.

۳. رابطه وابستگی: اصطلاحاتی که از نظر مفهومی به هم نزدیک هستند، به نحوی که یا بین آنها پیوند بحثی وجود دارد و یا بین آنها تداعی معنایی برقرار است که اطلاع از یکی بر عمق و دامنه اطلاع از دیگری می افزاید؛ ولی نمی توان بین آنها ترادف یا رابطه سلسله مراتبی ایجاد نمود. علامت اختصاری آن «ا. و.» است.

نیز در حال تدوین است که بزودی در اختیار علاقه مندان قرار خواهد گرفت. اصطلاح نامه اصول فقه نیز یکی دیگر از طرح های این مرکز است که در سال ۱۳۷۸ در قالب کتابی عرضه شده است.^۱ این طرح در واحد اصطلاح نامه علوم اسلامی به همت گروه اصطلاح نامه اصول فقه سامان یافته است.

تعریف اصطلاح

اصطلاح (term) واژه یا عبارتی است که در مواردی خاص، معنای کاملاً دقیق و محدود را بیان می کند و یا ویژه علم، هنر، حرفه، تجارت یا موضوعی خاص باشد.^۲ در اصطلاح نامه، علاوه بر ثبت روابط اصطلاحات به برقراری روابط میان «کلیدواژه ها» نیز پرداخته می شود.

تعریف کلیدواژه

کلید واژه (keyword) کلمه مهمی از یک عنوان یا از یک متن است که به عنوان اولین کلمه یک شناسه در نمایه سازی یا فهرست به کار برده می شود. در عرف اطلاع رسانی، کلید واژه به اصطلاحاتی اطلاق می شود که از مدارك، عناوین کتاب، یا مقاله، چکیده و دیگر متون اطلاعاتی استخراج می گردند و پایه نمایه سازی قرار می گیرند.

تعریف اصطلاح نامه

اصطلاح نامه^۳، مجموعه اصطلاحات استاندارد، گزیده شده و نظام یافته ای است که بین آنها روابط معنایی و رده ای، یا سلسله مراتبی برقرار است و توانایی آن را دارد که موضوع آن رشته را با تمام جنبه های اصلی، فرعی و وابسته به شکل نظام یافته و به قصد ذخیره و بازیابی اطلاعات و مدارك و مقاصد جنبی دیگر عرضه کند^۴، و از نظر ساختاری، گنجینه واژگان کنترل شده و سازمان یافته در یک زمینه خاص می باشد و حامل حداکثر اطلاعات با اقل ضایعات است.^۵

ساختار اصطلاح نامه اصول فقه

این مجموعه در یک مقدمه ۳۸ صفحه ای و سه بخش تدوین گردیده است: در مقدمه از تعریف اصطلاح نامه، اهداف کاربردی، تاریخچه و ویژگی های آن، فرق اصطلاح نامه با واژه نامه، لغت نامه، سر عنوان موضوعی و نمایه و مباحثی پیرامون اصطلاح نامه های انگلیسی و فارسی، اصطلاح نامه علوم اسلامی در قسمت های مختلف و اطلاعات مفید و سودمندی درباره اصطلاح نامه اصول فقه و ... سخت رفته است.

ذیل «ادله» آورد.

این بخش حاوی ۵۳۹۴ اصطلاح است: اصطلاحات غیر مرجع ۲۳۲۸ و ۲۳۱۰ اصطلاحات وابسته و ۲۳۹۰ اصطلاحات اخص^۹.
بخش دوم، نمایش نظام یافته اصطلاحات است که صفحات ۲۶۵ تا ۳۷۶ کتاب را به خود اختصاص داده است. این بخش که دارای شش رده اصلی می باشد، از عام ترین اصطلاح تا خاص ترین آن به شیوه ای خاص ردیف شده که هر رده با یک تورفتگی نشان داده شده است. در زیر هر رده، اصطلاحات مربوط به آن به صورت الفبایی آمده. در این جا به تقسیمات شاخه های اصلی و فرعی علم اصول فقه یک جا می توان دست یافت و دسترسی به تمامی اصطلاحات این علم از طریق رده های اصلی و فرعی ممکن است، نه از طریق ردیف الفبایی که در بخش اول کاربرد داشت.

علایم اختصاری «بک»، «ا.ع» و «ا.خ» در این بخش دیده نمی شوند. چون در این جا اصطلاحات مرجع به کار رفته و مراتب تورفتگی نیز حاکی از محدوده اعم و یا اخص بودن است، و اصطلاحات مترادف و وابسته با نشانه های خاص خود نمودار می گردد.

شش رده اصلی پذیرفته شده در این اصطلاح نامه، به ترتیب عبارتند از: اجتهاد و تقلید، ادله، اصول عملی، تعارض و تعادل و تراجیح، مباحث الفاظ و ملازمات عقلی.

اصطلاحات وابسته به علم اصول فقه به ۱۹ اصطلاح می رسد که عبارتند از: احکام، اصولیون، اصول فقه مقارن، تاریخ اصول فقه، تدوین اصول فقه، رتبه اصول فقه، علوم مقدماتی اصول فقه، فایده اصول فقه، فقه، قواعد اصولی قواعد فقهی، کتاب شناسی اصول فقه، کتب اصول فقه، مبادی اصول فقه، محمول اصول فقه، مسایل اصول فقه، مصنفین اصول فقه، موضوع اصول فقه، واضع اصول فقه.^{۱۰}

در این بخش و بخش سوم (نمایش سلسله مراتبی) وجه منطقی تقسیمات یک موضوع با عبارت راهنما بیان می گردد. علامت آن پرانتزی است که ذیل اصطلاح و قبل از هر تقسیم

وابسته اعم، اخص، غیر مرجع، یادداشت دامنه^۷ و توضیح گر^۸ آورده شده است؛ مانند:

ادله

ی. د: مراد ادله احکام «مقابل اصول عملیه» می باشد.

بیج: ادله اجتهادی

ادله محرزه

اصل (دلیل)

حجت (اصول)

دلیل

دلیل محرز

ا.ع: اصول فقه

ا.خ: ادله اربعه

ادله اولی

ادله ثانوی

ادله شأنی

ادله شرعی

ادله فعلی

ادله قطعی

ادله لَبّی

ادله لفظی

سیره

...

ا.و: حجت (لغت)

حجت (منطق)

حجّیت

سبّیت (امارات)

طریقیت

قواعد

مذاهب شریعت

مناسبت حکم و موضوع

نقض

در زیر هر اصطلاح غیر مرجع، اصطلاح مرجع با علامت اختصاری (بک) آورده شده است.

مانند:

ادله اجتهادی

بک: ادله

این ارجاع به این معنا است که «ادله» به عنوان اصطلاح متداول پذیرفته شده است، و اطلاعات مربوط به «ادله اجتهادی» را باید



می آید؛ مانند: خبر واحد
اصول فقه خبر صحیح
اجتهاد و تقلید خبر صحیح قدما
اجتهاد (عام)	در پایان کتاب، فهرست منابع و مآخذ (کتاب نامه)
۱. و: اجتهاد در اصول عقاید	اصطلاح نامه اصول فقه که بیش از ۱۵۰ عنوان کتاب در ده
اجتهاد در اصول فقه	صفحه آمده است و اطلاعات کتاب شناسی منابع اعم از نام
احکام اجتهاد	کتاب، نام مؤلف، انتشارات، سال چاپ، دوره ذکر شده
افتاء ...	است.
(به لحاظ عدم دلیل منصوص)	
اجتهاد (خاص)	
بیج: اجتهاد به رای	
(به لحاظ زمان)	
اجتهاد در عصر ائمه (ع)	
اجتهاد در عصر تابعین	
اجتهاد در عصر صحابه	
(به لحاظ فعلیت و عدم آن)	
اجتهاد فعلی	
۱. و: اجتهاد بالقوه	
اجتهاد بالقوه	
بیج: اجتهاد بالملکه	
۱. و: اجتهاد فعلی	
بخش سوم: نمایش سلسله مراتبی (ترسیمی) است که	
صفحات ۳۷۵ تا ۳۹۴ کتاب را به خود اختصاص داده است. در	
این بخش فقط اصطلاحات حاکم و تابع (اعم و اخص) نمایش	
داده شده است و ساختار کلی علم از اعم به اخص به شکل	
درختی آمده، مراتب تورفتگی در ساختار رده ای ۷ فاصله است	
که هر تورفتگی با یک نقطه مشخص شده است، رده های اصلی	
هر اصطلاح را همراه با اخص های آن به سرعت می توان بازیابی	
نمود. در این جا نیز مانند بخش دوم، اساس منطقی تقسیمات	
یک موضوع با عبارت راهنما بیان گردیده و هیچ یک از علایم	
اختصاری که در دو بخش قبل به کار می رفت دیده نمی شود؛	
مانند:	
اصول فقه	
. ادله	
. . (به لحاظ اصول ادله)	
. . ادله اربعه	
. . سنت (دلیل)	
..... خبر	
..... به لحاظ تعداد راوی	